



شعبه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 پژوهشگاه علوم انسانی

طرد کودکان

دکتر علی قائمی

از پدران و مادران را میشناسیم که بدلائل و عللی که ذکر خواهد شد فرزندان خود را دوست نداشته و مورد طردشان قرار میدهند و یا شیوه عمل و رفتارشان بگونه‌ای است که کودکان احساس می‌کنند مورد طرد و ردند.

این امر بهر علتی که رخ دهد موجب صدمه و نگرانی برای کودک و سبب بروز بسیاری ناپهنجاری هاست. پذیرش حق کودک است و پدران و مادران ناگزیرند که این حق را به وجهی احسن ادا کنند. کودک نیاز دارد جزئی از خانواده خود بحساب آید و پدران و مادران این عضویت را در آنان به رسمیت بشناسند. برسمیت شناختن چنین حقی ضمن اینکه بدهی والدین بحساب می‌آید ضروری رشد و تربیت کودک نیز خواهد بود. و آن خانواده‌ای که چنین حقی در آنان مورد توجه و عمل قرار نگیرد. خانواده‌ای نابسامان است و همان عوارضی که در باره خانواده‌های نابسامان مطرح و قابل ذکر است در جنبه کلی برای آنها نیز صادق خواهد بود.

### جلوه‌های طرد کودکان

طرد کودکان در خانواده به صور مختلفی مطرح است که ممکن است عمدی و یا غیر عمدی باشد و در هر دو صورت برای کودک عارضه آفرین است.

— کودکی که مورد بی‌اعتنائی والدین است و خوشمزگیهای طفل نمی‌تواند توجه آنان را بخود جلب کند مورد طرد است.

— طفلی که مورد خشونت و استبداد والدین است و تاسر حد مرگ گتک می‌خورد مورد طرد است.

### نیاز به مقبولیت

یکی از نیازهای اساسی کودک و در سطح کلی انسانها نیاز به مقبولیت و پذیرفته شدن است آدمی دوست دارد در میان جمع پذیرفته شود و دیگران مهر تایید بر وجود او زنند و او را در میان خود مورد قبول قرار دهند. این امر در کودکان آشکار و هویدا و در رفتار او کاملاً پیداست، در حالیکه بزرگتران میتوانند بگونه‌ای آن را در میان جمع مخفی نگاهدارند.

بخشی مهم از تلاشها و رفتارهای آدمی بخاطر همین امر است و بسیاری از انسانها بتجربه دریافته اند چنانچه خواسته‌های خود را بخواهند مورد توجه و عمل قرار دهند جمع آنها را از خود طرد خواهد کرد. در عالم کودکان شما بسیاری از آنها رامی بینید که حتی در مهمانیها برای اینکه بحساب آیند و پادر کنار والدین کم توجه مورد عنایت قرار گیرند میکوشند حتی تن به مسخرگی، دلفکی و یا ناپهنجاری دهند.

اهمیت این امر بحدی است که اگر فردی احساس کند در میان جمع مورد قبول و تائید نیست از خود متنفر شده و حتی دل به مرگ می‌نهد. نمی‌تواند قبول کند که مورد طرد و نفرت است و عذاب روحی چنین فردی غیر قابل وصف است.

### مساله طرد کودکان

اگر چه بر اساس متعارف والدین فرزندان خود را دوست دارند و آنها را باتمام وجود مسورد عنایت خویش قرار میدهند؛ ولی برخی

به وجهی شایسته تر دربارۀ آنها ایفاء کرده باشند  
 - خود را از زحمت تربیت او رد کرده و حق  
 کودک را با پرداخت هزینه‌های تربیت او ادا  
 کنند .

- بافرستادن کودک به پرورشگاه امـری که  
 مایه اختلاف آنهاست از میان بردارند .

- این گونه پدران و مادران باید آگاه باشند  
 که محیط شبانه روزی چون غیر محیط خانوادگی  
 است ، هرچند خوب و صالح باشد نمی تواند  
 محیطی مناسب بحساب آید . زیرا هرگز  
 در چنان محیطی احساسات گرم و هیجانات  
 سازنده والدین وجود ندارد . کودکانی که در  
 چنین محیطی پرورش یابند فاقد احساس

- کودکی که برای نقاط مثبتش تشویق نمی شود  
 ولی برای کمترین لغزش خود تنبیه می شود  
 مطرود بحساب می آید .

- کودکی که بعلت وزبائی خود نتوانسته  
 نظر پدر یا مادرش را تامین کند و آنها آنچنان  
 که باید مورد عنایتش قرار نمی دهند مطرود  
 است .

- پدر و مادری که کودک را بحال خود رها کرده  
 و مورد بی اعتنائیش قرار میدهند و با او کمتر  
 معاشرت میکنند او را طرد کرده اند .

- کودکی که حقوقش مورد توجه قرار نمی گیرد و  
 خواسته‌های او در عین توان بحساب نمی آید  
 مطرود است .

- والدینی که فرزند خود را به پرورشگاه  
 می فرستند تا خود را از شر او راحت کنند  
 بحقیقت او را طرد کرده اند .

- وبالاخره بهنگامی که کودک صدمه‌ای خورده ،  
 زخمی یا بیمار است ، آه و ناله میکند و کسی  
 به او توجهی ندارد ، می خواهد کسی را بالای  
 سر خود بیاید و کسی متوجه اونبست مطرود  
 است و طبعا" در چنین مواردی نمی تواند حال  
 و وضعی عادی و طبیعی داشته باشد .

#### کودک در موسسه شبانه روزی

از موارد طرد فرستادن کودک به پرورشگاه  
 پانسیون و در کل بیک موسسه شبانه روزی است .  
 این امر که گاهی با نیت خیر و با ندریشه حفظ  
 مصلحت کودک صورت میگیرد امری زیانبخش و  
 خطر آفرین است . برخی از پدران و مادران  
 فرزندان خود را بیک موسسه شبانه روزی می  
 می فرستند تا :

- آنها بهتر تربیت شده و والدین وظیفه خود را



قابل تحمل و مایه ننگ و شرمساری خود می دانند . کودک دارای عقب ماندگی ذهنی و یا اختلالی روانی است و پدر و مادر در باره او حساب دیگری داشته اند و ..... این امور دل پدر و مادر را ببرد آورده و کودک را در نظر آنها منفور جلوه میدهد . در نتیجه آنچنان که باید به او نمی رسند .

### ۳- عدم لیاقت

گاهی پدر و مادر فرزند خود را طرد می کنند بدان خاطر که درمقایسه او را فردی نالایق و غیر قابل پذیرش می دانند، او را با کودک همسایه مقایسه می کنند و می بینند ، آن یک باهمه کمبودهای اقتصادی دارای فلان نقطه مثبت است و او که می بایست از جهاتی واجد برتری هائی باشد نیست . یا آن یک را می یابند که چند بیت شعر را حفظ کرده و باز سر کردن چند جمله و آیه و حدیثی می تواند مجلس آرائی کند در حالیکه فرزند او فاقد چنان خصایصی است و در نتیجه تصورشان این است که او فردی لایق و درخور احترام نیست و او را از خود طرد می کنند .

### ۴- آسایش طلبی

گاهی پدران و مادران برای اینکه به آسایش و لذت خود برسند و راحتی و فراغی برای خود حاصل کنند فرزندان خود راحتی نا آگاهانه طرد می کنند . مثلاً " او را به پانسیون می فرستند و بدان دلخوشند که آب و نان او را تامین کرده اند ، کودک را بدست کلفت و



مسئولیت اخلاقی هستند ، عواطف شان پاک و خالص نیست، در آنان حس همدردی ، تعاون احسان وجود ندارد ، مقررات و قوانین نمی تواند در آنان نافذ باشد ، اطفال فاقد اعتماد به نفس می شوند و برای تامین امنیت خود گاهی از عصیان سردر می آورند . کودک اگر کم سن باشد در پرورشگاه به اختلالات عاطفی دچار خواهد شد . حتی آمد و شد کودک در خانواده هفته ای یکی دوبار هم نمی توانسد آن اختلال را از بین ببرد .

### علل طرد کودکان

اینکه چه علل و انگیزه هائی برای طرد کودکان وجود دارد دلایل متعددی را میتوان عرضه کرد که برخی از آنها بقرار زیرند :

### ۱- ناخواسته بودن

برخی از پدران و مادران فرزندان خود را طرد می کنند از آن بابت که آنها فرزندان ناخواسته شده براساس تصویر اندیشه ای والدین نیستند مثلاً " آنها پسر می خواستند و او دختر است یا برعکس . آنها اصلاً" نمی خواستند صاحب فرزند شوند ولی نطفه کودکی ناخواسته منعقد شد و همه برنامه ها و نقشه های آنان بهم ریخت و خواسته های شان را نقش بر آب کرد .

### ۲- نقص و نارسائی

گاهی پدران و مادران فرزندان خود را طرد می کنند بدان خاطر که کودک دارای کمبودها و نارسائی هائی است . مثلاً " کودک زشت است و آنها زیبا می خواستند ، کودک دارای نقص و نارسائی بدنی است و پدر و مادر وجود او را غیر

نکشد ، مادرش هم او را رها کرده و یابردی با او برخورد میکند زیرا وجود او را مایه رسوائی و بدبختی خود می شناسد . دراین گپرو دار آنچه که باقی میماند کودک است و بدبختی هایش . پدر و مادر انسانیت و اخلاق نمی شناسند و طفل را قربانی هوس خود میدانند ممکن است این زن و مرد بعد ها با هم ازدواج کنند و فرزندان دیگری هم پدید آورند ولی دیدشان در باره این کودک بگونه‌ای دیگر است .

مواردی دیگر هم از علل طرد میتوان ذکرکرد که ما برای رعایت اختصار از شرح و تفصیل آن خود داری می‌کنیم .

#### عوارض و آثار طرد

خانواده‌ای که درآن کودک به هرعلتی مورد طرد است خانواده‌ای نابسامان است و برای چنین کودکانی عوارضی واز آنها صدمه و لطمه‌ای برای جامعه قابل پیش‌بینی است . تحقیقات و بررسی ها نشان داده است کودکانی که مورد طرد و رد والدین خویشند :

— خود را تنها و بی‌کس دانسته و احساس ضعف و بی‌کفایتی دارند .

— سازگاری آنها دستخوش اختلال است و اغلب افرادی ضد اجتماعی و بزهار می شوند ، حالت حمله ، تهاجم و مبارز طلبی در آنان قوی است — احساس مسئولیت در آنان ضعیف است و نمی‌توانند تعهدی را در جامعه قبول کرده و ازعهده آن برآیند .

— تربیت پذیری در آنان اندک است آنچه‌ان که نمی‌توانند آگاهی‌ها و نفوذ مربیان را بر خود بقبولانند .

مستخمد می‌سپارند و خود بسمیمنا ییابه مسافرت می‌روند ، او را نزد زن همسایه گذارده و به دنبال گشت و گذار خویش راه می‌افتند . و چه زشت است رفتار اینگونه پدران و مادران که با چنین رفتاری حقوق او را نادیده می‌گیرند .

#### ۵- عقده‌ها

در مواردی طرد ها بصورت بی‌اعتنائی ، عدم توجه لازم ، عدم رسیدگی به سرو وضع او ، بی‌عنایتی به نیازها و احتیاجات کودک است . و این امر در همه احوال بدان خاطر نیست که آنها خسته‌اند و حال و حوصله کافی ندارند و یا عدم برآورده کردن نیازهای کودک بدان خاطر نیست که فقیرند و توان آن را ندارند ، بلکه بدان خاطر است که آنها عقده‌ای هستند و تلافی محرومیت های گذشته در دوران کودکی خود را بر سرکودکان خالی می‌کنند . آنهاکه دردوران خردسالی از علاقه و محبت خانوادگی دور بوده و سخنی مهر آمیز نشنیده و نوازش ندیده و یا خود مطرود بسوده‌اند آن حال و زندگی را در باره کودکان امروز خویش خود پیاده می‌کنند و این چه لغزش بزرگی است .

#### ۶- عدم مشروعیت کودک

گاهی هم طرد بخاطر عدم مشروعیت طفل است . زن و مردی بخاطر فشار غریزه و شهوت با هم روابط نا مشروعی برقرار کرده و به فکر آینده نبوده‌اند . برخلاف میل و خواسته شان نطفه‌ای منعقد شد و کودکی ناخواسته بدنیا آمد . اینک پدر او گریخته تا بار این ننگ را بر دوش

— دروغ ، لافزنی ، گزافه‌گوئی ، هرج و مرج در رفتار از دیگر عوارض رفتاری است که متوجه کودکان مطرود میشود .

— از مواجهه و آزمودن دنیای خارج می‌هراسد و تکامل رشد روحی او دچار وقفه میشود و جرات عمل را از دست میدهد .

— طردها گاهی سبب چسبندگی بیشتر به پدر و مادر می‌شود و آنها بهر حیل و عنوانی سعی دارند خود را به آنان نزدیکتر سازند .

— رجعت به دوران کودکی ، شست‌مکیدن ، ناخن جویدن ، گریه‌های بی‌حساب ، لکنت زبان کوبیدن سربه دیوار از دیگر عوارض است .

— پناه بردن به غیر از جلوه‌های دیگر طرد است و میخواهد بهر قیمتی که شده مورد تاءئید دیگران قرارگیرد .

— تن دادن به آلودگی‌های چون استمناء و دیگر رفتار نامعقول چون عورت نمائی از عوارض طرد به حساب می‌آیند .

— ترس شدید ، کمروئی ، خجالتی بودن ، ترسوئی از عوارضی است که در مواردی برای طردکودک پدید می‌آید .

— خرابکاری ، نافرمانی نوعی تجلی انتقام‌کودک از والدین خویش است که او را از خود رانده‌اند .

— طردحتی برای کودکان شیرخوار ممکن است موثر واقع شود به حدی که حاضر به شیر خوردن نشوند و از مکیدن پستان خودداری کنند

— وبلاخره پاره‌ای از بررسی‌ها در جهان غرب نشان داده‌است که ۱۳/۳٪ از پسران بزه‌کار و گرفتار در دارالتاءدیب هالاقلاً مرحله‌ای از عمر خود را مطرود بوده و در تیم خان‌یا موه‌سه‌ای غیر خانوادگی گذرانده بوده‌اند .

— اضطراب و نا امنسی ریشه حیاتشان را می‌سوزاند و جلوه آن بصورت نق زدن و احساس حقارت و تحقیر کردن است .

— افرادی میشوند ترسو ، نامطمئن ، کینه‌توز حسود و منزوی و دور از آسایش خاطر

— گاهی دچار حالت هیجانی میشوند و طغیانی آشکار علیه قیود ، فشارها و مرییان پیدامیکنند و غیظ و غضب به دیگران دارند .

